

زندگی نامه حضرت خدیجه سلام الله علیها

<?xml encoding="UTF-8?">



ولادت و خانواده

خدیجه (سلام الله علیها) 68 سال قبل از هجرت دنیا آمد . خانواده ای که خدیجه را پرورش داد ، از نظر شرافت خانوادگی و نسبت های خویشاوندی ، در شمار بزرگترین قبیله های عرب جای داشت . این خاندان در همه حجاز نفوذ داشت . آثار بزرگی و نجابت و شرافت از کردار و گفتار خدیجه پدیدار بود .

خدیجه از قبیله هاشم بود و پدر و اقوامش از ثروتمندان قریش بودند . پدرش خویلد بن اسد قریشی نام داشت . مادرش فاطمه دخترزائد بن اصم بود .

اخلاق خدیجه (سلام الله علیها)

خدیجه در بین اقوام خود یگانه و ممتاز و میان اقران کم نظیر بود . او به فضیلت اخلاقی و پذیرایی های شایان

بسیار معروف بود و بدین جهت زنان مکه به وی حسد می ورزیدند .

دخترت خویلد در سجایا و کمالات اخلاقی زبانزد و نمونه بود و به حق ایشان کفو خوبی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود . بی تردید می توان گفت که این سجایا و فضایل اخلاقی سبب شد تا خدیجه برای همسری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شایسته شمرده شود . طبق روایات ، او برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یآوری صادق بود .

آیا خدیجه (سلام الله علیها) قبل از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ازدواج کرده بود ؟

معروف است اولین کسی که به خواستگاری خدیجه آمد یکی از بزرگان عرب به نام «عتیق بن عائذ مخزومی» بود . او پس از ازدواج با خدیجه ، در جوانی در گذشت و اموال بسیاری برای خدیجه ارث گذاشت . پس از او «ابی هاله بن المنذر الاسدی» که یکی از بزرگان قبیله خود او بود ، با وی ازدواج کرد . ثمره این پیوند فرزندی به نام «هند» بود که در کودکی در گذشت . ابی هاله نیز پس از چندی ، وفات یافت و ثروت بسیار از خویش بر جای نهاد.

هرچند این مطلب که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) سومین همسر خدیجه بود و جز عایشه با دوشیزه ای ازدواج نکرد ، نزد عامه و خاصه معروف است؛ ولی مورد تایید همگان نیست . جمعی از مورخان و بزرگان ، نظرمخالف دارند ؛ برای مثال «ابوالقاسم کوفی» ، «احمد بلاذ ری» ، «علم الهدی» ، (سیدمرتضی) در کتاب «شافی» و «شیخ طوسی» در «تلخیص شافی» آشکارا می گویند که خدیجه ، هنگام ازدواج با پیامبر ، «عذرا» بود . این معنا را علامه مجلسی نیز تایید کرده است . او می نویسد : «صاحب کتاب انوار البدء» گفته است که زینب و رقیه دختران هاله ، خواهر خدیجه بودند .

برخی از معاصران نیز چنین ادعا کرده اند و برای اثبات ادعای خود کتابهایی نوشته اند .

آشنایی با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

فضایل اخلاقی خدیجه ، بسیاری از بزرگان و صاحب منصبان عرب رابه فکر ازدواج با وی می انداخت . ولی خاطرات همسر پیشین به وی اجازه نمی داد شوهری دیگر انتخاب کند . تا اینکه با مقامات معنوی حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) آشنا شد و آن دو غلامی که برای تجارت همراه پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرستاده بود ، مطالب و معجزاتی که از وی دیده بودند ، برای خدیجه نقل کردند . خدیجه فریفته اخلاق و کمال و مقامات معنوی پیامبر (صلی الله علیه وآله) شد . البته او از یکی از دانشمندان یهود و نیز ورقه بن نوفل ، که از علمای بزرگ عرب و خویشان نزدیک خدیجه به شمار می رفت ، در باره ظهور پیغمبر آخرالزمان و خاتم الانبیا (صلی الله علیه وآله) مطالبی شنیده بود . همه این عوامل موجب شد تا خدیجه حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) را به همسری خودانتخاب کند .

ازدواج خدیجه (سلام الله علیها)

زفاف خدیجه با حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) 2 ماه و 75 روز پس از بازگشت از سفر تجارت شام تحقق یافت . در آن زمان ، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) 25 سال داشت و خدیجه چهل ساله بود . ابن عباس سن ایشان را 28 سال نقل می کند . هرچند بعضی از مورخان اهل سنت سعی می کنند این سخن را رد کنند ؛ چون راوی آن محمد بن صائب کلبی از شیعیان است و آنها او را ضعیف می دانند .

خدیجه به سبب علاقه به حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و مقام معنوی او بارسول خدا ازدواج کرد و تمام دارایی و مقام و جایگاه فامیلی خود را فدای پیشرفت مقاصد همسرش ساخت .

در عقد ازدواج حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و خدیجه ، عبدالله بن غنم به آنها چنین تبریک گفت :

هنيئاً مريئاً يا خديجه قد جرت لك الطيرفيما كان منك باسعد

تزوجت خير البريه كلها و من ذا الذي في الناس مثل محمد ؟

و بشر به البران عيسى بن مريم و موسى ابن عمران فياقرب موعد

اقرت به الكتاب قدما بانه رسول من البطحاء هادو مهتد

گوارا باد بر تو ای خدیجه که طالع تو سعادت مند بوده و بابهترین خلائق ازدواج کردی . چه کسی در میان مردم همانند محمد (صلی الله علیه وآله) است . محمد (صلی الله علیه وآله) کسی است که حضرت عیسی و موسی

به آمد نش بشارت داده اند و کتب آسمانی به پیامبری او اقرار داشتند .

رسولی که سر از بطحاء (مکه) در می آورد و او هدایت کننده و هدایت شونده است .

احترام پیغمبر خدا ((صلی الله علیه وآله)) به خدیجه سلام الله علیها

احترام حضرت محمد ((صلی الله علیه وآله)) به خدیجه ، به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود .
خصال خدیجه (سلام الله علیها)

خدیجه از بزرگترین بانوان اسلام به شمار می رود . او اولین زنی بود که به اسلام گروید ؛ چنان که علی بن ابی طالب (علیه السلام) اولین مردی بود که اسلام آورد . اولین زنی که نماز خواند ، خدیجه بود. او انسانی روشن بین و دور اندیش بود . با گذشت ، علاقه مند به معنویات ، وزین و با وقار ، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود . همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت .

خدیجه از کتب آسمانی آگاهی داشت و علاوه بر کثرت اموال و املاک، او را «ملکه بطحاء» می گفتند . از نظر عقل و زیرکی نیز برتری فوق العاده ای داشت و مهمتر اینکه حتی قبل از اسلام وی را «طاهره» و «مبارکه» و «سیده زنان» می خواندند .

جالب این است او از کسانی بود که انتظار ظهور پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می کشید و همیشه از ورقه بن نوفل و دیگر علما جوایب نشانه های نبوت می شد . اشعار فصیح و پر معنای وی در شان پیامبر اکرم ((صلی الله علیه وآله)) از علم و ادب و کمال و محبت او به آن بزرگوار حکایت می کند .

نمونه ای از اشعار خدیجه در باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

| | |
|---|---|
| فلوانی امسیت فی کل نعمه و دامت لی
الدنیا و تملک الاکاسره | فما سویت عندی جناح بعوضه اذا لم
یکن عینی لعینک ناظره |
|---|---|

چنین است :اگر تمام نعمتهای دنیا از آن من باشد و ملک و مملکت کسراها و پادشاهان را داشته باشم ، در نظرم هیچ ارزش ندارد زمانی که چشم به چشم تو نیافتد .

دیگر خصوصیت خدیجه این است که او دارای شم اقتصادی و روح بازرگانی بود و آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسیده بود .

البته سجایای اخلاقی حضرت خدیجه چنان زیاد است که قلم از بیان آن ناتوان است . پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرماید : «افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم .»

چه می توان گفت در شان کسی که مایه آرامش و تسلاى خاطر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود ؟ ! در تاریخ می خوانیم : «حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) هر وقت از تکذیب قریش و اذیت های ایشان محزون و آزرده می شدند ، هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی کرد مگر یاد خدیجه ؛ و هرگاه خدیجه را می دید مسرور می شد»

ذهبی می گوید : مناقب و فضایل خدیجه بسیار است ؛ او از جمله زنان کامل ، عاقل ، والا ، پای بند به دیانت و عفیف و کریم و از اهل بهشت بود . پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) کرارا او را مدح و ثنا می گفت و بر سایر امهات مومنین ترجیح می داد و از او بسیار تجلیل می کرد. به حدی که عایشه می گفت : بر هیچ یک از زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) به اندازه خدیجه رشک نوریذم و این بدان سبب بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله) بسیار او را یاد کرد .

درود خدا بر خدیجه سلام الله علیها

خدیجه کبری چنان مقام والایی داشت که خداوند عزوجل بارها براو درود و سلام فرستاد . طبق روایتی از حضرت امام محمد باقر (صلی الله علیه وآله) : پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) هنگام باز گشت از معراج ، به جبرئیل فرمود : «آیا حاجتی داری ؟»

جبرئیل عرض کرد : خواسته ام این است که از طرف خدا و من به خدیجه سلام برسانی»

در روایتی دیگر می خوانیم : روزی خدیجه به طلب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بیرون آمد . جبرئیل به صورت مردی با وی رو به رو شد و از خدیجه احوال رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را پرسید . خدیجه نمی توانست بگوید رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در کجا به سر می برد . او می ترسید این مرد از کسانی باشد که قصد کشتن پیغمبر (صلی الله علیه وآله) را دارد . وقتی که خدمت آن حضرت رسید و قصه باز گفت ، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) فرمود : «آن جبرئیل بود و امر کرد که از خدا تو را سلام برسانم .»

نقش خدیجه سلام الله عليها در پیشبرد اسلام

وقتی حضرت خدیجه دریافت که سعادتمند شده ، هرچه داشت در راه پیشرفت و موقعیت پیغمبر اسلام(صلی الله علیه وآله)انفاق کرد . او تمام اموال خویش را به پیامبر (صلی الله علیه وآله)بخشید و در راه نشر اسلام به مصرف رستادند . تا جایی که هنگام ارتحال ، پارچه ای برای کفن نداشت .

ابن اسحاق جمله ای در شان خدیجه دارد که گویای همکاری و صداقت او در پیشبرد اسلام است . او می گوید : «خدیجه یاور صادق و با وفایی برای پیامبر (صلی الله علیه وآله)بود و مصیبت ها در پی رحلت خدیجه و ابوطالب بر پیامبر(صلی الله علیه وآله) سرازیر شد .»

گویا این دو ، در برابر هجوم ناملایمات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، سدی بلند و مستحکم بودند .

این جمله ، معروف که اسلام رهین اخلاق پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، شمشیر علی (علیه السلام) ، و اموال خدیجه است از نهایت همکاری و صداقت خدیجه پرده بر می دارد .

فرزندان خدیجه سلام الله عليها

در تعداد فرزندان حضرت خدیجه ، میان مورخان اختلاف است . به گفته مشهور : ثمره ازدواج رسول خدا و خدیجه ، شش فرزند بود .

1- هاشم . 2- عبدالله . به این دو «طاهر» و «طیب» می گفتند . . 3- رقیه . 4- زینب 5- ام کلثوم . 6- فاطمه .

رقیه بزرگترین دخترانش بودو زینب ، ام کلثوم و فاطمه به ترتیب پس از رقیه قرار داشتند . پسران خدیجه پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، بدرود زندگی گفتند . ولی دخترانش ، نبوت پیامبر(صلی الله علیه وآله)را درک کردند .

گروهی از محققان معتقدند : قاسم و همه دختران رسول خدا (صلی الله علیه وآله)پس از بعثت به دنیا آمدند و چندروز پس از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)به مدینه هجرت کردند .

وصیت خدیجه سلام الله عليها

حضرت خدیجه (سلام الله عليها) سه سال قبل از هجرت بیمار شد . پیغمبر (صلی الله علیه وآله) به عیادت وی رفت و فرمود : ای خدیجه ، «اما علمت ان الله قد زوجنی معک فی الجنة» ؛ آیا می دانی که خداوند تو را در بهشت نیز همسرم ساخته است ؟ !

آنگاه از خدیجه دل جویی و تفقد کرد ؛ او را وعده بهشت داد و درجات عالی بهشت را به شکرانه خدمات او توصیف فرمود .

چون بیماری خدیجه شدت یافت ، عرض کرد : یا رسول الله ! چندوصیت دارم من در حق تو کوتاهی کردم ، مرا عفو کن .

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود : هرگز از تو تقصیری ندیدم و نهایت تلاش خود را به کار بردی . در خانه ام بسیار خسته شدی و اموالت را درراه خدا مصرف کردی .

عرض کرد : یا رسول الله ! وصیت دوم من این است که مواظب این دختر باشید . و به فاطمه زهرا (سلام الله عليها) اشاره کرد . چون او بعد ازمن یتیم و غریب خواهد شد . پس مبادا کسی از زنان قریش به اوآزار برساند . مبادا کسی به صورتش سیلی بزند . مبادا کسی بر او فریاد بکشد . مبادا کسی با او برخورد غیر ملایم و زننده ای داشته باشد .

اما وصیت سوم را شرم می کنم برایت بگویم . آن را به فاطمه عرض می کنم تا او برایت بازگو کند . سپس فاطمه را فراخواند و به وی فرمود : «نور چشمم ! به پدرت رسول الله بگو :مادرم می گوید : من از قبر در هراسم ؛ از تو می خواهم مرا درلباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی ، کفن کنی .»

پس فاطمه زهرا (سلام الله عليها) از اتاق بیرون آمد و مطلب را به پیامبر(صلی الله علیه وآله)عرض کرد . پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) آن پیراهن را برای خدیجه فرستاد و او بسیار خوشحال شد . هنگام وفات حضرت خدیجه ، پیامبراکرم(صلی الله علیه وآله) غسل و کفن وی را به عهده گرفت . ناگهان جبرئیل درحالی که کفن از بهشت همراه داشت ، نازل شد و عرض کرد : یا رسول الله ، خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید : «ایشان اموالش را در راه ما صرف کرد و ما سزاوارتریم که کفنش را به عهده بگیریم .»

وفات خدیجه (سلام الله علیها)

خدیجه در سن 65 سالگی در ماه رمضان سال دهم بعثت در خارج از شعب ابوطالب جان به جان آفرین تسلیم کرد . پیغمبر خدا (صلی الله علیه وآله) شخصا خدیجه را غسل داد ، حنوط کرد و با همان پارچه ای که جبرئیل از طرف خداوند عزوجل برای خدیجه آورده بود ، کفن کرد . رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شخصا درون قبر رفت ، سپس خدیجه را در خاک نهاد و آنگاه سنگ لحد را در جای خویش استوار ساخت . او بر خدیجه اشک می ریخت ، دعا می کرد و برایش آمرزش می طلبید . آرامگاه خدیجه در گورستان مکه در «حجون» واقع است .

رحلت خدیجه برای پیغمبر (صلی الله علیه وآله) مصیبتی بزرگ بود ؛ زیرا خدیجه یاور پیغمبر خدا (صلی الله علیه وآله) بود و به احترام او بسیاری به حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) احترام می گذاشتند و از آزار وی خودداری می کردند .

یاد خدیجه سلام الله علیها

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با این که بعد از رحلت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بازمانی چند ازدواج کرد ؛ ولی هرگز خدیجه را از یاد نبرد . عایشه می گوید : هر وقت پیغمبر خدا (صلی الله علیه وآله) یاد خدیجه می افتاد ، ملول و گرفته می شد و برای او آمرزش می طلبید . روزی من رشک ورزیدم و گفتم : یا رسول الله ، خداوند به جای آن پیرزن ، زنی جوان و زیبا به تو داد .

پیغمبر (صلی الله علیه وآله) ناگهان بر آشفت و خشمگینانه دست بر دست من زد و فرمود : خدا شاهد است خدیجه زنی بود که چون همه از من رومی گردانیدند ، او به من روی می کرد ؛ و چون همه از من می گریختند ، به من محبت و مهربانی می کرد ؛ و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند ، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد . در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود .

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود : «وقتی خدیجه از دنیا رفت ، فاطمه کودکی خردسال بود ، نزد پدر آمد و گفت : «یا رسول الله امی» ؛ مادرم کجاست ؟

پیامبر (صلی الله علیه وآله) سکوت کرد . جبرئیل نازل شد و گفت : خدایت سلام می رساند و می فرماید : به زهرا
بفرما ، مادرت در بهشت و در کاخ طلایی که ستونش از یاقوت سرخ است و اطرافش آسیه و مریم هستند ، جای
دارد .